

جنگ تجاوزکارانه ی ایالات متحده ی آمریکا و اسرائیل علیه کشورمان محکوم است و باید به فوریت متوقف گردد!...

سرنوشت نظام آینده ی کشور نه بدست نیروهای خارجی بلکه به دست مردم ایران رقم خواهد خورد

دگر بار کشورمان در کام جنگ تازه ای فرو رفته است که پایان و تبعات آن حتی برای شروع کنندگان آن نیز به تمامی روشن نیست.

بعد از جنگ چندین ساله با کشور عراق و جنگ دوازده روزه با اسرائیل که موجب ویرانیهای وسیعی در کشور گردید، اینبار نیز با حملات هوایی سنگین ارتش های آمریکا و اسرائیل صدماتی جدی به زیر ساخت های کشور وارد شده است.

بار دیگر ساکنین شهرهای بزرگ برای فرار از بمبها و موشک های آمریکائی و اسرائیلی خانه و کاشانه ی خود را ترک می کنند.

یکبار دیگر کودکان ایرانی نیمه شبان از وحشت مرگ و صدای انفجارها به آغوش مادرانی پناه می برند که خود در زیر سایه ی وحشت رژیم سفاک و ضعیف کش، بی پناه هستند.

با شروع جنگ صدها نفر از هموطنانمان در بمبارانهای جنایت کارانه ی اردوهای مجهز به مدرن ترین سلاحهای این دو کشور جان خود را از دست داده اند و اوج این بربریت موشک باران مدرسه ای در شهر میناب استان هرمزگان توسط نیروی هوایی اسرائیل است که طی آن بیش از صد و پنجاه کودک دبستانی کشته شده اند. این جنایت برگ تازه ای در دفتر جنایتهای بیشمار کشوری است که دولت آن از دید اکثریت کشورهای جهان در رابطه با مردم فلسطین متهم به نسل کشی و پاکسازی قومی است.

ولی آیا در این جنایات فقط آمریکا و اسرائیل مقصر هستند؟

در کنار ایالات متحده ی آمریکا و اسرائیل این رژیم جمهوری اسلامی است که با سیاست های جنایتکارانه و پان شیعی اش کشور را در آستانه ی ویرانی و نابودی قرار داده و حتی چند هفته قبل از حمله ی نیروهای خارجی دهها هزار نفر از شهروندان کشور را کشته، زخمی کرده و در سیاهچال های مختلف کشور حبس نموده است.

امروزه وضعیت فاجعه بار اقتصادی کشور، فقر روزافزون اکثریت مردم، نابودی محیط زیست، وضعیت آب و برق و ناهنجاریهای اجتماعی اموری نیستند که حتی مسئولین رژیم بتوانند آنها را کتمان بکنند. همه ی اینها محصول چهل و هفت سال حاکمیت روحانیون، فاناتیسم های اسلامی و جانپانی است که در کشور به صغیر و کبیر رحم نکرده اند.

در چهل و هفت سال حاکمیت اسلامیست ها در کشور، هر کسی که از دوراندیشی سیاسی ذره ای بهره داشت، می دانست که ادامه سیاست های ابلهانه ی تیم خامنه ای و شرکای اصولگرا و اصلاح طلبش روزی کشور را بازیچه دست نتانیاهوها و ترامپ ها خواهد کرد.

رژیم جمهوری اسلامی امروزه کشور را نه فقط در مقابل آمریکا و اسرائیل بلکه عملا در مقابل اکثریت کشورهای عرب منطقه و قریب به اتفاق کشورهای اروپائی، کانادا و استرالیا قرار داده است.

با شروع این جنگ و کشته شدن علی خامنه ای - که با دستور قتلعام آخرینش همانند خمینی لعنت همیشگی ایرانیها را با خود به گور برد- می توان با قطعیت گفت که رژیم جمهوری اسلامی در شکل و شمایل فعلی اش به آخر خط رسیده است و تا دیر نشده باید در مقابل اراده ی مردم تسلیم شده و با آزادی زندانیان سیاسی و امکان اظهار نظر و عمل به شخصیت های ملی و دلسوز راه را برای خروج کشور از این بن بست تاریخی هموار نماید. در غیر این صورت همراه با نابودی رژیم جنایتکار و فاسد حاکم، کشور نیز در نتیجه ی دخالت های خارجی به کام هرج و مرج فرو خواهد رفت.

شروع تجاوز و دخالت های امپریالیستی امروزی ایالات متحده ی آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان فدرال همراه با دنباله و بازوی مسلح شان اسرائیل، چیزی نیست جز ادامه دخالت هائی که با کودتاهای انگلیسی اسفند 1299 رضاخان و آمریکائی- انگلیسی 28 مرداد 1332 عملا راه رشد طبیعی ایرانیها برای ایجاد کشوری صلح دوست و دمکراتیک را سد نمود.

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی در کلیت اش محصول سی و هفت سال دیکتاتوری فردی و مطلقه ی محمد رضا شاه می باشد، اینک دگربار ایالات متحده ی آمریکا همراه با اسرائیل به دنبال حقه کردن نوه ی رضاخان به کشوری با جمعیت نود میلیونی هستند.

مردم ایران به سیاست های امپریالیستی ایالات متحده ی آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان فدرال که در پی رهبرسازی و تعبیه ی رضا پهلوی به عنوان دیکتاتور بعدی هستند، نه می گویند!...

دست رژیم های امپریالیستی ایالات متحده ی آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال و اسرائیل از دخالت در سرنوشت آتی کشور ایران باید کوتاه شود.

مردم ایران خود باید بدون دخالت خارجی سرنوشت کشورشان را تعیین بکنند و بخصوص حکومت ایالات متحده ی آمریکا به رهبری ترامپ باید بدانند که دوران سیاست کشتی های توپدار گذشته و ملت های ساکن ایران از جمله ملت آذربایجان زیر بار حکومت فردی نوه ی رضاخان نخواهند رفت.

آینده ی کشور ایران نه از راه اعاده ی سلطنت پهلوی تحت سرنیزه های ارتش های کشورهای غربی و اسرائیل بلکه از مسیر تشکیل جمهوری فدرال ملت های ایران می گذرد.

امروزه برای نجات کشور نه فقط باید رژیم جمهوری از سر راه برداشته شود بلکه باید راه بر دخالت های امپریالیستی و ایجاد رژیم دست نشانده اسرائیل، ایالات متحده ی آمریکا و بعضی از کشورهای غربی برای همیشه بسته شود.

جنبش فدرال دمکرات آذربایجان همراه با اکثریت فعالین ملی آذربایجانی که نمایندگانشان در تاریخ هفت اسفند 1404 در «کنفرانس هم اندیشی فعالین مدنی آذربایجان» شهر تبریز گرد آمده بودند، بر "ضرورت تشکیل جبهه ی جمهوری خواهی و مقابله با فاشیزم" تاکید و در همصدائی با این فعالین آذربایجانی اعلام می دارد: "تاکید بر کرامت انسانی، برابری حقوقی و حق مشارکت سیاسی تمامی شهروندان با توجه به تاریخ و اسناد پایه ای جنبش آذربایجان که همواره منادی آزادیخواهی و عدالت محوری بوده، تامین برابری حقوقی کلیه ی گروه های عقیدتی و جوامع فرهنگی پیش نیاز تحقق وحدت ملی مدرن" در ایران آینده می باشد.

در ایران فدرال ملت های ساکن ایران با رها شدن از سلطه ی برتری اقتصادی، فرهنگی و زبانی ملت فارس شانس پیشرفت در مناطق زیست شان را خواهند داشت و ملت آذربایجان نیز همانند دوران حکومت ملی آذربایجان که تحت رهبری جعفر پیشه وری یک شبه ره صد ساله پیمود، می تواند در مدت کوتاهی آثار عقب ماندگی های به ارث رسیده از دو رژیم ضد مردمی و ضد آذربایجان پهلوی و اسلامی را بزدايد.

پیش به سوی ایجاد جمهوری فدرال ملت های ترک آذربایجان، فارس، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن در چهارچوب ایران آزاد!...

در شرائطی که شهرها، قصبات و روستاهای آذربایجان و بخصوص شهر قهرمان تبریز در زیر آوار بمبهای کشورهای مهاجم متجاوز در حال ویران شدن است، بر فعالین ملی جنبش ملی-دمکراتیک آذربایجان فرض است که در کنار ملت و مردم خود قرار گرفته و با ایجاد کمیته های محلی به کمک زخمی ها، بیماران، سالمندان، از کار افتادگان، بازنشستگان و خانواده های بی سرپرست بشتابند.

نه به تجاوز امپریالیستی، نه به رژیم جمهوری اسلامی، نه به رژیم سلطنتی تحت هر نامی!...

برای جمهوری فدرال و دمکراتیک ایران!...

جنبش فدرال دمکرات آذربایجان

یازدهم اسفند 1404

دوم مارس 2026